الباب التاسع من الواحد التاسع فی حرمة صلوة الجماعة الا صلوة المیت فانکم تجتمعون و لکن فرادی تقصدون.

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب التاسع من الواحد التاسع** فی حرمة صلوة الجماعة الا صلوة المیت فانکم تجتمعون و لکن فرادی تقصدون.

ملخص این باب آنکه از آنجائی که در جماعت ثابت است آنکه امام محقق الوقوع باشد در اینکه از حروف اثبات است و از آنجائیکه آخر هر ظهوری کل خود را چنین جلوه داده که مظهر اثباتند نه نفی ولی بدء ظهور ظاهر میگردد که از مظهر نفی بوده از این جهت است که نهی شده تا آنکه کل لدون الله عبادت خداوند نکرده باشند و امروز اگر نفسی ایمان آورده باشد بالله و آیات آن و بشجرۀ حقیقت و ظهورات آن و قبل از آن وراء نفسی که آن الآن اظهار ایمان نکرده نماز گذارده باشد بر او فرض است که اعاده کند

و این است از احکام واقعیه نفس الامریه زیرا که آن در آنروز لدون الله بوده که اگر نمیبود نمیشد و آنکه نماز کرده لله بوده که اگر نبود امروز مؤمن نمیشد این است یکی از احکام داودیه که بباطن شده نه بظاهر که اگر بظاهر بود اذن داده شده بود ولی در همان اذن محل کلام است که چرا بصیر نشد که بر نفسی مقتدی شود که لدون الله واقع شود

ولی در صلوة میت اذن داده شده زیرا که آن از عز مؤمن است هر قدر که کثرت زیاده شود در صلوة او محبوب تر بوده و هست نزد خداوند ولی کسی مقدم نایستد کل در صفوف خود قائما نماز گذارند بر او بقصد فرادی

ولی در صورت جماعت نظر کن از صدر اسلام تا ظهور نقطۀ بیان که چقدر صلوة جماعت بر پا شد که کسی احصا نتواند نمود ولی حمد خدائی را که نگذارد کسی را که با مظهر نفس او نماز گذارد در ظهور اخرای او که لدون الله واقع شود و حال آنکه کل باسم او مصلی بوده اند وبقول او مصلی ببین حد خلق را که با اینهمه اظهار حب و انتظار فرج بعد از ظهور کسی موفق نگردد بر یک صلوة مثل آنکه با ادنای خلق شب و روزی پنج مرتبه میکند تا آنکه حکم الهی مرتفع شود

از آن مراقب بوده یوم ظهور ”من یظهره الله“ را که این قسم محتجب نمانی که شب و روز بتمنای ذکر او سر برید و باحکام موعوده در زمان ظهور او قلب خود را ساکن کنید و یک مرتبه بغتة طالع گردد تا آنکه بوقتی رسد که اذن ارتفاع احکام قبل را دهد که آنوقت کل محروم مانید و از ثمرۀ وجود خود بی نصیب گردی اگر چه آن بحر جود صابر است که اگر یک نفسی در علم او باشد که وفا میکند بعهد خدا در یوم قیامت هر آینه صبر نماید تا آنکه آن اقامه عهد خود را کند

ولی میشود که واقع شود و تو در خواب باشی بعد از آن تو را بیدار کنند و خود محتجب شوی چنانچه رسول خدا - صلی الله علیه و اله - ظاهر شد و عبادی که در انجیل بودند بیدار کرد ولی بیدار نشدند و تا امروز در خواب هستند زیرا که بر او بود که بفرماید: ”منم احمد موعود - صلی الله علیه و اله - و اقامه حجت فرماید بآیاتی که خداوند بر او نازل فرموده بود نه دلخواه هر نفسی که اگر چنین میبود هیچ حجتی در هیچ ظهور تکذیب کرده نمیشد

نظر کن در فرقان که یقیــــن بآن داری که چـــــــقدر مذمت شده عبادی که از رسول الله - صلی الله علیه و اله - تمنا نمودند آنچه نمودند حتی آنکه گفتند ﴿تأتی بالله و الملائکة قبیلا﴾ که از آن اعظم تر ذنبی از برای ایشان نبوده که چنین گفتند زیرا که خداوند منزه بوده از این وصف و آنچه در خلق ممکن است لایق نبوده که در آن ساحت قدس او ذکر شود چگونه تکون بهم رساند

و تا حال هنوز منتظرین در انتظار مانده چه بسا قیامت ”من یظهره الله“ بر پا شود و هنوز ایشان در انتظار باشند اگر خداوند مبعوث نفرماید مقتدر مهیمنی را بر خلق خود از مؤمنین ببیان و الا فضل کل وجود را درک خواهد نمود اگر اسباب ظهور غیر از این بود هر آینه خداوند از برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - نازل فرموده بود بلکه بر خود خلق است که مظاهر امر واقع شوند و در نزد مبدأ غیر از امر الله نیست مثلا آنچه من قبل الله بود ﴿و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا﴾ بود ولی از خلق ارتفاع آن ظاهر باطاعت ایشان امر خدا را و الا همان عزی که در امر الله بوده هست نزد بصیر لطیف چه کل عمل کنند و چه عمل نکنند

ولتصلین لله ربکم الرحمن لعلکم بآیات الله یوم القیمة توقنون.

